

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَ
فَرَعَهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَ يُضْرَبُ
اللَّهُ الْأَمْثَالَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (ابراهيم / ۲۴-۲۵).

و آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه (گفتار پاکیزه) را به
درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن در زمین ثابت و شاخه آن
در آسمان است. هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد
خداوند برای مردم مثل ها می زند، شاید یادآور شوند.

گفتار خود را با این آیه مبارکه آغاز می نمایم و از عزیزانی که این فضای روحانی را
در این مکان مقدس فراهم آورده اند، سپاسگذارم. ما در کنار مرقدی هستیم که شیخ
صدوق، از پدر بزرگوارش علی بن بابویه، و او از استادش علی بن ابراهیم قمی، و او از
پدرش ابراهیم بن هاشم، و او از شیخ حدیث، سعد بن سعد (که همگان از ثقات و مورد
اعتماد می باشند) و او از امام هشتم علیه السلام نقل می کند که من (سعد بن سعد) از امام هشتم علیه السلام

۱. متن سخنرانی حضرت آیه الله سبحانی در حرم شریف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به مناسبت
نکوداشت آن بانوی بزرگ در جمع علما و دانشمندان حوزه علمیه قم.

درباره دختر موسی بن جعفر علیه السلام فاطمه معصومه علیها السلام پرسیدم آن حضرت در پاسخ سؤال من فرمود:

«مَنْ زَارَهَا فَلَهَا الْجَنَّةُ»^(۱) زیارت وی (با حفظ شروطی که در همه زیارات آمده است)

مایه ورود به بهشت است.

یکی از نشانه‌های عظمت و بزرگواری این بانو، ورود زیارتنامه مستقل درباره اوست، زیرا تمام زیارتنامه‌هایی که از معصومین نقل شده است، مربوط به امامان معصوم است، ولی کمتر فرزند امامی داریم که درباره او، از امام معصوم زیارت مستقل وارد شده باشد.

بنابراین، برای زائران و مجاوران و مردم با ایمان قم، مایه افتخار است که در کنار مرقد این بانوی بزرگ زندگی کرده، و از معنویت این بارگاه ملکوتی بهره‌مند گردند. از نظر تاریخ، فرزندان سعد بن مالک، یعنی عبدالله و احوص در اوائل سال‌های هشتاد هجری به سرزمین قم پناهنده شدند. و این جا را برای خود و بستگان خویش که همگی از شیعیان علی علیه السلام بودند، به عنوان پایگاه برگزیدند. و در نتیجه چراغ تشیع از اواخر نخستین قرن هجری در این شهر برافروخته گشت ولی آنچه سبب شد که این نقطه از کشور اسلامی، سالیان دراز به صورت پایگاه شیعی درآید، و شعاع تشیع، شرق و غرب آن را فراگیرد، وجود مرقد فاطمه معصومه علیها السلام در این شهر بود که به این نقطه، معنویت خاصی بخشید.

گفتنی است که ریشه تشیع در قم، به عصر امام باقر علیه السلام برمی‌گردد، به گواه این که شیخ طوسی در رجال خود از شش نفر نام می‌برد که همگی قمی بوده‌اند. البته این نه بدان معناست که ایرانی بوده‌اند، بلکه غالباً از شاخه‌های قبیله اشعری بوده که در شهر قم مأوی گزیده بودند و آنان عبارتند از:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۷، چاپ اعلمی

۱. اسحاق قمی (۱)
 ۲. سلمان بن خالد طلحی قمی (۲)
 ۳. شعیب بن بکر بن عبدالله بن سعد اشعری قمی، از راویان حدیث از امام باقر و صادق علیهما السلام (۳).
 ۴. عیسی بن بکر بن عبدالله (۴)
 ۵. موسی بن بکر بن عبدالله (۵)
 ۶. محمد بن الیسع بن حمزه قمی (۶)
- و هر چه زمان به پیش رفت و انوار اهل بیت علیهم السلام بر نقاط مختلف جهان بیشتر تابید، حضور مردم، به ویژه قمی‌ها در محضر آن بزرگواران فزونی‌تر شد، و لذا شیخ طوسی در کتاب رجال خود تعداد یاران قمی امام صادق علیه السلام را ۱۳ نفر، و امام کاظم علیه السلام را ۵ نفر و حضرت رضا علیه السلام را ۲۶ نفر و امام جواد علیه السلام را ۱۲ نفر و امام هادی علیه السلام را ۲۱ نفر و امام عسکری علیه السلام را ۱۱ نفر برشمرده است. (۷)

عالمان قم در عصر امامان اهل بیت علیهم السلام
تعداد راویان حدیث از امامان معصوم فزونی‌تر از آن است که در این گفتار یا نوشتار بیاید ولی در اینجا به نخبگانی از اهل قم که همگی از یاران امامان می‌بودند یا از نظر زمانی فاصله کمی با عصر آنان داشته‌اند، اشاره می‌کنیم:

۱. رجال شیخ، شماره ۴۷، مسلسل ۱۲۷۵. ۲. همان، شماره ۱۱، مسلسل ۱۴۳۸.
۳. همان، شماره ۷۱۱، مسلسل ۳۸۰۲ (شرح حال برادرش عیسی بن بکر بن عبدالله)
۴. همان
۵. همان
۶. همان، شماره ۳۱، مسلسل ۱۶۰۰
۷. رجال شیخ طوسی، ر.ک، اصحاب امامان یاد شده علیهم السلام

۱. زکریا بن آدم اشعری قمی

علی بن مسیب خدمت امام هشتم علیه السلام عرض می‌کند: راه من دور است و دسترسی به شما ندارم، از چه کسی دین خودم را بیاموزم؟

امام هشتم علیه السلام فرمود:

«مِنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ، الْمَأْمُونِ عَلِيَّ الدِّينِ وَالِدِ الدُّنْيَا» «دین خود را از زکریا بن آدم بیاموز که هم در امور دینی و هم در امور دنیایی امین است».

خوشبختانه قبر این عالم بزرگ هم اکنون در مقبره شیخان قم، مزار خاص و عام است، و خود نشانه تشیع در قم در عصر امام هشتم علیه السلام (۱۴۸-۲۰۳) می‌باشد.

۲. سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی (م ۳۰۱)

این شخصیت بزرگ دارای آثار فقهی و روایی است و کتابی درباره «فوق الشيعة» دارد، و بنا به نقلی، خدمت امام عسکری علیه السلام رسیده و از او حدیث شنیده است (۱).

۳. محمد بن علی بن محبوب

نجاشی در حق وی می‌گوید: ثِقَّةٌ، عَيْنٌ، فَقِيهٌ، صَحِيحُ الْمَذْهَبِ، آنگاه به ذکر اسامی کتابهای وی می‌پردازد (۲).

شیخ طوسی او را در عداد کسانی یاد می‌کند که عصر ائمه را درک کرده ولی تمام

گفتنی است که ریشه تشیع در قم، به عصر امام باقر علیه السلام برمی‌گردد، به گواه این که شیخ طوسی در رجال خود از شش نفر نام می‌برد که همگی قمی بوده‌اند. البته این نه بدان معناست که ایرانی بوده‌اند، بلکه غالباً از شاخه‌های قبیله اشعری بوده که در شهر قم مأوی گزیده بودند.

روایات او از ائمه با واسطه است^(۱).

۴. احمد بن ادریس

وی از مشایخ کلینی، معروف به ابوعلی اشعری متوفای ۳۰۶ و از علمای بزرگ در عصر خود می‌باشد. و از راویان حدیث از محمد بن علی بن محبوب می‌باشد.

۵. علی بن بابویه (م ۳۲۹)

وی از مشایخ بزرگ شیعه و کتابهای او مرجع برای عالمان و فاضلان می‌باشد، حتی رساله فقیهیه او، مورد استناد فقهای شیعه است. شهید می‌گوید: در مسائلی که روایتی در دست نباشد، عالمان شیعه به رساله او مراجعه کرده و طبق آن فتوا می‌دادند^(۲).

۶. شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه (۳۰۶-۳۸۱)

عالم معروف و محدث بزرگ و متکلم عالیقدری است که پیوسته آثار و مؤلفات او مورد اعتماد می‌باشد. اینها نمونه‌هایی از علمای برجسته قم هستند که برخی در غیبت صغری و برخی در غیبت کبری می‌زیستند.

از آغاز قرن پنجم هجری سیر حدیث و علم در این شهر فراز و نشیب‌هایی داشت که تفصیل آن را به وقت دیگری موکول می‌کنیم، ولی در این شهر در چهار سده نخست تاریخ اسلام، ثقل تشیع و مأوا و مدرسه حدیثی و فقهی اهل بیت علیهم السلام بوده، جای بحث و سخن نیست.

علاوه بر قم، دو مرکز حدیثی دیگر شیعی - یکی در ری، و سومی در خراسان بزرگ یعنی خوارزم و اطراف آن - بود که عیاشی (م ۳۲۰) و شاگرد وی کشی صاحب رجال، از پرورش یافتگان این مرکز بودند.

۱. رجال نجاشی، ج ۷۱، ص ۱۳۷، به شماره ۷۹

۲. الکافی و الاقاب، ج ۱، ص ۲۲۲

آنچه یادآور شدیم، مربوط به مراکز حدیثی و فقهی شیعی در ایران بود، ولی مراکز علمی شیعه مختص به اینها نبود، بلکه برای شیعه دو مرکز علمی دیگر نیز بود، یکی در عراق، و دیگری در مدینه که از علما و دانشمندان موج می‌زد. حسن بن علی معروف به وشاء، از شکوفایی مدرسه حدیثی کوفه در عصر خویش سخن می‌گوید: «من در مسجد کوفه نهصد استاد حدیث دیدم که همگی می‌گفتند: حدیثی جعفر بن محمد»^(۱).

شهرستان قم در نیمه قرن چهاردهم اسلامی

بحث درباره مدارس فقهی و حدیثی شیعه در طول این قرون، فرصتی دیگر می‌طلبد. آنچه الان لازم است، تبیین درخشیدن شهرستان قم در نیمه‌های قرن چهاردهم اسلامی، با ورود یک شخصیت علمی بزرگ، مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی است که در پرتو تأسیس حوزه، مدارس علمی قم جان تازه‌ای به خود گرفتند.

مرحوم آیه الله حائری، در سال ۱۳۱۶ هـ.ق، از عراق به سوی اراک مهاجرت نمود و تا سال ۱۳۲۴ هـ.ق، در آن شهر اقامت گزید، پس از ۸ سال اقامت، بار دیگر به عراق مهاجرت نمود ولی در سال ۱۳۳۲ هـ.ق، مجدداً به اراک برگشت و به افاضه و تربیت فضلا پرداخت. در نوروز سال ۱۳۴۰ هـ.ق، برای زیارت دخت گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عازم قم گشت و چند روزی در این شهر اقامت گزید. علما و بزرگان این شهر فرصت را مغتنم شمرده تصمیم گرفتند از محضرش درخواست کنند که در این شهر اقامت گزیند تا بار دیگر بازار علم و دانش و فقاہت این شهر رونق بگیرد. از شخصیت‌هایی که در تثبیت اقامت او مؤثر بودند، روحانی بزرگ مرحوم حاج آقا محمد ارباب بود که از نفوذ کلمه بالایی در شهر برخوردار بود، و همچنین دیگر شخصیت‌های علمی مانند حاج شیخ

۱. رجال نجاشی، به شماره ۷۹

ابوالقاسم قمی (م ۱۳۵۳) که به زهد و تقوا و فقاہت اشتہار داشت.

مرحوم آیه الله حائری اقامت خود و انتقال حوزه اراک به قم را منوط به مساعد بودن استخاره نمود، پس از تفأل به قرآن کریم، در آغاز صفحه با این آیه روبرو شد: [وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (یوسف / ۹۳)]، مساعد بودن استخاره سبب شد که تصمیم بر اقامت بگیرد و فضلا و بزرگانی که در زیر نظر او در اراک تحصیل می کردند، یکی پس از دیگری به قم مهاجرت نمایند، چیزی نگذشت که از اطراف و اکناف ایران، افراد برجسته به عنوان تدریس و در عین حال بهره گیری از دانش آیه الله حائری در قم گرد آمدند و حوزه سنگین و عظیمی تشکیل شد و این شخصیت بزرگ با استمداد از الطاف الهی توانست پانزده سال تمام این حوزه را از گزند نظام اختناق حفظ نماید و علما و شخصیت هایی را به جامعه تحویل دهد، به گونه ای که در بیشترین شهرها، فارغ التحصیلان قم مصدر امور دینی و تبلیغی شدند.

تبیین سیاست آن مرد بزرگ، در عصر سرنیزه (پهلوی) نیاز به مقالاتی دارد، کسانی که آن عصر را درک کرده و روش او را به خاطر دارند، می دانند که حفظ این حوزه در عصر قلع و قمع، جز الطاف الهی، علت دیگری نداشت.

قم پس از درگذشت آیه الله حائری رحمتهما علیهما جامع علوم انسانی
مرحوم آیه الله حائری، مؤسس حوزه، در ماه ذی قعدة الحرام ۱۳۵۵ هجری قمری از این جهان رخت بر بست. مرحوم آیه الله صدر، والد امام موسی صدر، در سوک مؤسس حوزه چند بیت سروده و ماده تاریخ وفات او در مصراع دوم بیت آمده است:

دعاه مولاہ فقل مؤرخا لدی الکریم حل ضیقاً عبده (۱)

۱. به حساب ابجدی برابر ۱۳۵۵ هجری قمری است.

پس از درگذشت آیه الله مؤسس حوزه، حاکمان نظام به عنوان گوناگون عرصه را بر فضلا و طلاب تنگ کرده و سعی در انحلال آن داشتند، مأموران شهربانی پیوسته وارد مدرسه فیضیه می شدند و فریاد می کشیدند: شیخ عبدالکریم درگذشت، همگی سراغ کار خود بروید و مدرسه را رها کنید. در برخی از فصول، فضلالی حوزه، روزها را در باغ های اطراف شهر و شبها را در مدارس می گذرانند ولی در پرتو عنایات الهی، و کوشش های سه زعیم بزرگ و نیرومند و آهنین که همگی دست پرورده خود مؤسس بودند، حوزه پابرجا ماند. این شخصیتها عبارتند از:

۱. آیه الله سید صدرالدین صدر (۱۲۹۹-۱۳۷۳)

۲. آیه الله سید محمد حجت (۱۳۰۱-۱۳۷۲)

۳. آیه الله سید محمد تقی خوانساری (۱۳۰۶-۱۳۷۱)

سنگینی تدریس، بیشتر بر دوش مرحوم آیه الله حجت و نظم و انضباط حوزه بیشتر مرهون آیه الله صدر بود.

حوزه علمیه قم بین سالهای ۱۳۵۵ هـ.ق، تا ۱۳۶۰ به صورت نیمه فعال به حیات خود ادامه داد، ولی پس از فروپاشی نظام سلطه، در شهریور ماه ۱۳۲۰ هـ.ق، و رفتن رضاخان و آمدن متفقین به ایران، حوزه های علمیه ایران در همه جا بالاخص در قم، رونق دیگری گرفت و از سراسر نقاط کشور جوانان مستعد از بیوت علمی و غیر علمی وارد قم شدند و در سالی که ارادتمند وارد قم شد یعنی در سال ۱۳۲۵ هـ.ق، تعداد طلاب قم به ۱۷۰۰ نفر می رسید، در حالی که تعداد طلاب قبل از شهریور ۱۳۲۰، از ۲۰۰ نفر تجاوز نمی کرد.